

اجابت دعا از سوی خدا

یا

فرستادن بندگان به دنبال خود سیاه

آیه ۱۸۶ سوره بقره:

وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ.

ترجمه: استاد مهدی فولادوند

«و هر گاه بندگان من، از تو در باره من بپرسند، [بگو] من نزدیکم، و دعای دعاکننده را- به هنگامی که مرا بخواند- اجابت می کنم، پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند ، باشد که راه یابند.»

اگر کسی چیز می گوید به خصوص اگر آن کس خدا باشد باید به آن گفته اعتماد کرد. اگر آن گفته در زندگی اجتماعی ما و یا تجربه روزانه ما عملی نگردد، نباید به آن اعتماد کرد. به عبارتی دیگر، سخن کسی در تجربه روزانه ما عملی نشود آن گفته ارزش ندارد و گوینده ما را پشت خود سیاه روان کرده است.

کمی توضیح:

در زندگی اجتماعی اعتماد کردن به همدیگر اساس و اصل بنیادین و هنجار بسیار مهم است.

رعایت نظم اجتماعی، قانون ها و هنجار های قانونی و اخلاقی بیشتر بر اساس اعتماد است. اولتر از همه موازین اخلاقی مانند رفتار نیک و دوری از بدی بر اساس اعتماد به همدیگر بنیافته است. دروغ نگفتن نه تنها اصل اخلاقی بلکه در برخی جاها هنجار قانونی نیز است.

انسانها به کسی اعتماد می کنیم که نیکوکار و نیک رفتار باشد، یعنی امر به کشتار ندهد، کسی را نیازارد، راست بگوید و از دروغ دوری جوید.

خدا بالاتر از همه هست و سپس، کسانی که صاحب جاه و مقام اند، مانند رهبران دینی و فرمانروایان می کوشند این صفات را داشته باشند.

هرکس که بلند مرتبه تر است، رفتارش بیشتر الگوی زندگی برای دیگران است. همه میخواهند از بزرگان الگو برداری کنند. کلام خدا از همه بالا است. وقتی که ما به گفتار خدا مواجه می باشیم به درست بودن آن انتظار بیش تر داریم.

چنانچه در حکایت از سعدی می خوانیم:

حکایت

آورده اند که انوشیروان عادل را در شکارگاهی صید کباب کردند و نمک نبود غلامی به روستا رفت تا نمک آرد.

انوشیروان گفت:

نمک به قیمت بستان تا گرانی باب نگردد.

گفتند از این قدر چه خلل آید؟

گفت: بنیاد ظلم در جهان اول اندکی بوده است.

هر که آمد بر او مزیدی کرده تا بدین غایت رسیده.

شعر

اگر ز باغ رعیت، مَلِک خورد سیبی
برآوردند غلامان او درخت از بیخ
به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد
زنند لشکریانش هزار مرغ بر سیخ
سعدی شیرازی

یک پادشاه که در گفتار و رفتارش نیکو و نیکوکار باشد، آن رفتار الگویی خوبی برای لشکریان و فرمانبران و پیروانش می باشد. البته این تنها در زندگی بزرگان نیست. بلکه کردار و رفتار نیک مردمان عادی نیز می تواند الگوی خوب برای نیکو کاران باشد.

چرا چنین است؟

سبب اش این است که ما در زندگی اجتماعی برای اینکه نظم اجتماعی برقرار بماند و برای اینکه ما بتوانیم به زندگی اجتماعی خویش ادامه دهیم، مهم است که ما امنیت و مصونیت داشته باشیم. لازم است با هم اعتماد کنیم که ظلم و ستم نمی شویم و کسی حق ما را نمی خورد، کسی یک دروغ را به عنوان راست به خورد ما نمی دهد.

اگر ما از سوی کسی تهدید شویم یا کسی به ما سخنی بگوید که دروغ باشد، ما به آن کس اعتماد نمی کنیم.

اگر اکثر مردم به همدیگر دروغ بگویند، اعتماد و همبستگی اجتماعی کم می شود و در آن صورت باید هرکس به این فکر شود خودش فریب دیگران را نخورد. در مقابل اگر کسی بد نیت باشد کوشش می کند مردم را تا می تواند فریب دهد و زندگی خود را به قیمت فریب و نیرنگ دیگران بهتر سازد.

این امر در مورد زندگی عادی و مردم عادی است.

اما انسان ها عادت کرده ایم که هر وقت ظلم و ستمی به ما برسد زمانی که نتوانیم حق خود را ازو بستانیم، یک راه به ما می ماند و آن این است که به درگاه خدا دعا می کنیم که خدا آن کس را که به ما ظلم و ستم کرده است به جزایی اعمالش برساند.

البتّه خدا خودش از زبان محمد به ما این وعده را نیز داده است.

به گونه مثال در آیه ۱۸۶ سوره بقره:

«و هر گاه بندگان من، از تو در باره من بپرسند، [بگو] من نزدیکم، و دعای دعاکننده را- به هنگامی که مرا بخواند- اجابت می کنم، پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند ، باشد که راه یابند.»

اجابت دعای مردم غزه کجا شد؟

کسانی که رویدادهای اسرائیل و کناره غزه را دنبال می کنند، می دانند که از روز ۷ اکتبر سال ۲۰۲۳ تا کنون یعنی ۱۱ فبروری ۲۰۲۴، چهار ماه و ۵ روز می گذرد. مردم غزه از آن روز تا کنون تنها یک چیز دارند و آن دعا به بارگاه الله است.

آنچه بر سر مردم غزه آمده است بی‌پیشینه است. خدا بارها در آیات مختلف مسلمانان را بهترین و غیر مسلمانان را نیز بدترین مخلوق نامیده است. یعنی در عمل، به گفته خود الله بدترین مخلوق بر بهترین مخلوق دارند ظلم و ستم می‌کند و خدا هم وعده اجابت دعا را داده است.

هدف این نوشته دعا و وعده خدا در اجابت دعای دعا کنندگانی است که خدا آنان را بهترین مردم خلق کرده است یعنی مسلمانان.

در آیه ۱۸۶، الله بسیار واضح و آشکار که در آن هیچ شک و تردید را نمی‌توان دید می‌گوید من دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند- اجابت می‌کنم.

تمام شرط‌های که الله درین آیه برای دعا کردن ذکر کرده است، موجود اند: و هر گاه بندگان من، از تو در باره من بپرسند، [بگو] من نزدیکم، و دعای دعاکننده را- به هنگامی که مرا بخواند- اجابت می‌کنم، پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند.»

باز نمود نویسنده:

و هر گاه یعنی هر زمانی که، هر وقتی که؛ **بندگان من** یعنی کسانی که مرا (خدا یا الله را) بندگی و عبادت می‌کنند؛ از تو در باره من بپرسند، یعنی از محمد درباره خدا بپرسند که خدا به کجا است؛ [بگو] من نزدیکم، یعنی بگو که من نزدیک بندگان خودم؛ و **دعای دعاکننده را**- یعنی دعای کسانی را که دعا می‌کنند به نزد الله؛ **به هنگامی که مرا بخواند**- یعنی وقتی که دعا را از من طلب می‌کنند؛ **اجابت می‌کنم**، یعنی قبول می‌کنم؛ اینگونه نیست که قبول نکنم، گفتم که قبول می‌کنم؛ پس [آنان] **باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند**، باشد که راه یابند. یعنی آنان باید از خدا فرمان بر باشند، ایمان به خدا داشته باشند.

تمام شرط‌های این آیه را نه تنها فلسطینیان بلکه مسلمانان تمام جهان دارا اند: آنان بندگان خدا هستند، آنان بدون الله هیچ خدای را نمی‌پرستند؛ آنان اعتقاد کامل دارند که خدا به آنان نزدیک است و هر چیز را می‌بیند؛ آنان زندگی مصیبت‌دارند که برای هر انسان بی‌طرف وحشتناک است؛ آنان شب و روز دست به دعا اند که این مصیبت و وحشت خاتمه یابد، آنان فرمان بردار و مطیع هستند.

یگانه چیزی که می‌ماند وعده سر خرمی الله است یا به سخن دیگر، وعده سرخرمی پیامبر از نام الله به آنان است.

این آیه واضح، مبین و آشکار است. اما عدم وفا به آن به شکل بسیار آشکار و روشن بیان می‌کند که قرآن کلام آفریدگار جهان نیست. زیرا کسی که دانا و توانا هست، سخنان بیهوده و بی‌معنا نمی‌گوید.

ما حتا از انسانهای عادی انتظار داریم که سخن اش با رفتارش مطابقت کند. وقتی انسان عادی چیزی می‌گوید باید به آن رفتار کند چه رسد به خدای آفریدگار جهان. اما بندگان آفریدگار جهان اگر خوب بیاندیشند، باید همین انتظار را از او باشند.

نبود مطابقت رفتار با گفتار به این معنا است که یا کسی که این آیه را به ما می‌گوید، بیهوده گفته است و یا هم آفریدگار جهان خلاف گفتارش عمل می‌کند که باز هم خدایی اش مورد شک و تردید است.

حالا بهانه تراشان بهانه می‌آورند که شاید کسانی که دعا می‌کنند، از تهی دل و صادقانه دعا نمی‌کنند.

«یا الله ج بهتر می‌داند که چی وقت دعا را اجابت کند و یا به تعویق اندازد، ولی الله ج وعده داده که دیر و یا زود مسلمانان پیروز خواهند شد.»

یا «حتما حکمتی به آن نهفته است که خداوند ج نخواسته، دعا را اجابت کند. در هر حالت این گناه از ماست، نه از الله.»

یا «ما مسلمان خوب نیستیم، تفسیر آیه را نخواندم، ما غیب را نمی‌دانیم. الله بهتر می‌داند.» یعنی هر عیبی است از مسلمانی ماست نه از اسلام و چیزی که گفته.

یا «امکانات و تجهیزات کشور کفری اسرائیل را که می‌بینیم و نبود امکانات مردم فلسطین را مقایسه میکنیم و تا هنوز مجاهدین در مقابل شان می‌رزمنند همین خود نشان دهنده یاری الله ج است؛ یعنی دعای شان قبول شده است.»

نه تنها هزاران مسلمان در کرانه غزه، بلکه ملیون ها مسلمان در سراسر جهان، و هر روز دست شان به دعا است.

البته وقتی که انسان دعا می کند در همان لحظه امید کمک دارد نه بعد از آن که هزاران هزار کودک معصوم و بی گناه فلسطینی زیر بمب باران جان باختند و یا هم شدید زخمی معیوب و یا هم والدین شان را از دست داده اند خانه های شان ویران شد.

الله نه تنها در آیه ۱۸۶ سوره بقره بلکه به آیات مختلف گفته است که به بندگان نزدیک است. چنانچه نزدیک تر از رگ گردن یا رگ قلب هستم: در آیه ۱۶ سوره ق می گوید «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» ما به انسان از رگ قلبش نزدیکتریم.

بر علاوه در قرآن بارها گفته شده است که خدا، دانا، توانا و مهربان است. از کسی با چنین صفاتی که وعده اجابت دعا را نیز داده است، انتظار می رود که به وعده اش وفا کند. البته وفا به عهد نیز از خصوصیات نیک هر انسان است و خدا نیز این صفت را به خودش گفته است یعنی خدا چیزی را که گفته است می کند.

در زندگی عادی انسانی که از مصیبت دیگر آگاه است و می تواند او را کمک کند، ولی کمک نمی کند، چنین کسی را ما از دید اخلاقی نمی پسندیم. اما خدا جان با جود که بسیار گفته است که بندگان را که به مصیبت گرفتار است کمک می کند در عمل کمک نمی کند. باز هم از چنان و دل دوست داریم و بهانه ساخته ایم که او گفته است از تو حرکت از ما برکت.

چیزی که می تواند نتیجه گرفت این است که این آیه و آیات قرآن را در کل پیامبر الله برای رفع مشکلات روزمره اش می آورده است و به زور شمشیر به مردم تطبیق می کرده است. این آیات امروز کتاب مقدس ما مسلمانان را ساخته است. در حالیکه این آیات به بزرگترین مشکل در جامعه اسلامی تبدیل شده است و نمی تواند از آفریدگار جهان باشد.